



پرورده
شینیچی سوزوکی
ترجمه فواد نیک زاد
با عشق
روشی نو
در آموزش

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Nurtured by Love

A New Approach to Education

Shinichi Suzuki

Exposition Press, 1980



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمیری،
شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

شینچی سوزوکی

پرورده با عشق

روشی نو در آموزش

ترجمه فواد نیک‌زاد

چاپ چهارم

۶۶۰ نسخه

۱۳۹۹

. چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۷۸ - ۰۴۶ - ۱

ISBN: 978 - 600 - 278 - 046 - 1

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

دیباچه مترجم

به گمان من چکیده گفتار سوزوکی در این نوشته را می توان چنین بیان کرد: اگر جنبنده ای به هیئت انسان به دنیا بیاید، بی تردید با آموزش و پرورش درست توان فراگیری هر شاخه ای از دانش ها و داشته های بشری را خواهد داشت.

تلاش پیگیر او در همه کتابش این است که با نمونه های بسیار ثابت کند که استعداد یا توانمندی مادرزادی نیست و با استعداد شدن، میوه پرورش پیوسته و آهسته و درست است... و به این شکل مردمان امروز را به باغبان هایی بد تشبیه می کند: «مردمان امروز شبیه باغبان هایی هستند که در حالی که به نهال های نزدیک به خشک شدنشان نگاه می کنند، دست هایشان را با اندوه تکان می دهند و با تأسف می گویند: 'احتمالاً این دانه هایی که کاشتیم از نژادی بد و نامرغوب بوده!...' و نمی دانند که هیچ مشکلی در دانه ها وجود نداشته و تنها اگر آماده سازی و پرورش زمین به درستی انجام می گرفت، همان دانه ها به درخت هایی تناور تبدیل می شدند. آن ها با این برآورد اشتباه پی در پی گیاهان بسیاری را از بین

۸ ♦ پرورده با عشق

می‌برند. اکنون زمان آن رسیده که نژاد بشر با همه قوا این چرخه نادرست را بشکنند.»

و چنین است که سوزوکی برای مبارزه با این چرخه ناگوار شیوه‌ای نو در آموزش و پرورش بنیان نهاده که داستان شکل‌گیری و مهم‌ترین سازه‌های آن را در کتاب بیان کرده است. او با نگاه نوینش می‌خواهد مدرسه‌هایی برپا کند که در آن‌ها کسی مردود نمی‌شود. او می‌خواهد جامعه‌ای بسازد که در آن آدم‌هایی شادتر و توان‌تر زندگی می‌کنند و در این جامعه بهتر هیچ‌گاه آموزش خوب حتی به عقب‌افتاده‌های ذهنی را فراموش نمی‌کند و در فکر ساخت فضایی بهتر برای زندگی همه انسان‌هاست. سوزوکی تنها یک خیالباف نظریه‌پرداز نیست و سخت معتقد به عملگرایی است. او در راه رسیدن به ایدئال‌هایش در زندگی بسیار کوشیده و آموزشگاه‌های زنجیره‌ای موسیقی (به عنوان نمونه‌هایی از آموزش درست) در سراسر جهان برپا کرده و نام مدرسه‌های «توان‌پروری» را برایشان برگزیده است. انتخاب این نام نشانی است از همان ایده اصلی او که توانمندی تنها با پرورش درست و به‌آرامی شکل می‌گیرد و در وجود ما نهادینه می‌شود.

سه نکته در باره ترجمه کتاب

۱. سوزوکی شیوه جدید پرورشش را «Talent Education» نامیده است. دلیل گزینش نام «توان‌پروری» به جای گزینه‌های دیگری چون «آموزش استعداد» یا «استعدادآموزی» این بود که در جایی از متن کتاب به این مطلب برخوردم: اجوکیشن^۱ به جای اینستراکشن^۲.

1. education

2. instruction

دبیاجه مترجم * ۹

در توضیح تفاوت این دو چنین آمده: «کلمه اجوکیشن (پرورش یا آموزش و پرورش) در زبان انگلیسی از ریشه ادیوس گرفته شده است که طبق دیکشنری فشرده آکسفورد بار دو معنی را به دوش می‌کشد: نخست بیرون کشیدن و سپس پروردن یک پتانسیل یا استعداد خفته و پنهان.^۱ اما در مدرسه‌ها بیش‌تر روی آموزش از نوع اینستراکشن (که شاید مفهومش چیزی را تنها با دستور و از موضع بالاتر یاد دادن باشد) تأکید می‌شود و کم‌تر کسی در صدد است که جوهره درونی همه بچه‌ها را بیرون بکشد و با حوصله بپرورد و در واقع معنی اصلی اجوکیشن به کلی فراموش شده است.»

این چنین شد که پس از مشورت‌هایی به نظرم آمد که شاید بهتر باشد به جای کلمه اجوکیشن همچون انتخاب فرهنگ هزاره^۲ واژه پرورش را برگزینم. پس نام روش آموزشی به این شکل دگرگون شد: «پرورش استعداد» یا «استعدادپروری»؛ اما پرورش استعداد نامی گوش‌آشناست که این معنی از آن به ذهن می‌آید که گویا قرار است عده‌ای نخبه شناسایی شوند و استعدادهای درخشان‌شان پرورده شود که این برداشت (غالب در جامعه ما) مفهومی ۱۸۰ درجه متفاوت با آنچه مقصود سوزوکی است دارد چون همان‌طور که گفته شد باور او این است که نخبه‌ای وجود ندارد که پرورده شود بلکه نخبه با پرورش ساخته می‌شود. استعدادپروری کم‌تر از پرورش استعداد آن بار را به دوش می‌کشید و به نظر می‌رسید نام مناسب‌تری باشد اما آهنگش چندان به دلم ننشست و برابری برتر از توان برای استعداد به ذهنم نرسید؛ بنابراین چون توان‌پروری از

1. bring out, develop from talent or potential existence

۲. زیر نظر علی محمد حق‌شناس، انتشارات فرهنگ معاصر.

استعدادپروری خوش آواتر بود آن را برگزیدم. هر دو کلمه هم برای ذهن و هم برای بدن قابل استفاده‌اند که مقصود سوزوکی هم جز این نبوده است. (استعداد ذهنی/بدنی = توان ذهنی/بدنی)

۲. برخی جاها در متن لغت‌های تخصصی موسیقی به زبان‌های مختلف را به همان شکل اصلی به کار برده‌ام برای این‌که گمان من این است که این اصطلاح‌ها اکنون فارسی شده‌اند و در ساختار زبانمان نشسته‌اند. حتی بسیاری از آن‌ها جهانی شده‌اند و در همه زبان‌ها کاربرد دارند. کلمه‌هایی مانند فرمات^۱ (نقطه توقف)، پولی فونیک،^۲ فالش^۳ و... به هر شکل پذیرفتن اصطلاح‌های فنی به زبان‌های دیگر و به کار بردنشان با ساختارهای زبان پارسی یا ساخت برابرهای تازه برای مفهوم‌های نو و ناموجود در زبان ما، یا به کار بردن هر دو روش به طور همزمان، شیوه‌هایی است که سال‌هاست نویسندگان، پژوهشگران و زبان‌شناسان نظرهای گوناگونی در باره آن‌ها ابراز می‌کنند.

۳. متن این کتاب ترجمه‌ای آزاد نیست و جمله‌ها و عبارت‌ها تا جای ممکن به همان شکل اصلی آورده شده‌اند، اما متن انگلیسی این اثر برگردانی است از نوشته اصلی ژاپنی که همسر آلمانی سوزوکی آن را ترجمه کرده (!) با توجه به این مطالب به گمانم نگارش نسخه انگلیسی گاهی چندان روان نیست و گاهی هم در برگردان به فارسی مجموعه جمله‌های یک پاراگراف زیاد منسجم به نظر نمی‌آیند. در چنین موردی تلاش کردم که در بازنویسی پارسی کتاب به مفهوم و روح اصلی مطلب

۱. Fermate: علامتی است که وقتی روی نت یا سکوتی قرار می‌گیرد ارزش زمانی آن را دست‌کم دو برابر می‌کند. - م.

۲. چندصدایی، به انگلیسی polyphonic و به فرانسه polyphonique نوشته می‌شود.

۳. Falsch: کلمه‌ای آلمانی به معنی خارج از کوک بودن و برابر انگلیسی false است. - م.

دبیاچه مترجم ♦ ۱۱

توجه کنم و بنابراین اگر در جایی مثلاً این‌گونه به ذهنم رسید که با اضافه کردن چند کلمه یا جمله کوتاه یا آوردن مترادفی در کنار یک لغت (بی آن‌که در متن اصلی باشد) مفهوم عبارت بهتر منتقل می‌شود و متن روان‌تر می‌شود، چنین کردم. به بیان دیگر، با توجه به این‌که با متنی ادبی با نگارشی ویژه روبرو نیستیم در ویرایش نهایی مهم‌ترین نکته برایم انتقال دقیق همه مفهومی‌های مورد نظر نویسنده بود و نه پایبندی موبه‌موبه متن اصلی.

در باره مفهوم «کن» در کتاب

چنین به نظر می‌رسد که سوزوکی کن (kan) یا شهود یا حس ششمی را که تعریف می‌کند بعدتر به جای توانی که حاصل فرایند آن است به کار می‌برد. در کتاب کن این‌گونه تعریف می‌شود: «پایبند کردن فرد به بردباری بسیار زیاد و کار خستگی‌ناپذیر رمزی کاملاً ضروری در آموزش است و این همان چیزی است که ما (ژاپنی‌ها) آن را کن یا ششمین حس یا توانایی می‌دانیم.»

و در ادامه بارها و بارها نتیجه کن و توانمندی حاصل از آن را کن می‌نامد مثل جایی که داستان پرتاب موفقیت‌آمیز سنگ در چیشیما را تعریف می‌کند: «به این ترتیب بود که تمرین سنگ‌پرانی من در کودکی در چیشیما به دردم خورد و کن به شکلی شگفت‌انگیز به طور ناگهانی بروز کرد.»

در مجموع به گمانم مقصود سوزوکی از کن همان توانمندی به دست آمده و نهادینه شده از کار و تکرار بسیار باشد و نه خود تکرار.

هدف «توان پروری» پرورش نوازنده‌های حرفه‌ای نیست؛ بلکه می‌خواهد انسان‌هایی خوب و ارزشمند تربیت کند که در هر زمینه‌ای که کار می‌کنند بهترین باشند و در هر رشته‌ای به نقطه اوج و بیش‌ترین میزان بالندگی دست پیدا کنند.

امیدوارم خوانندگان این کتاب از گفته‌هایم چنین برداشت کرده باشند که هیچ انسانی هرگز نباید از پرورش خودش ناامید شود. همه ما با ویژگی‌های شگفت‌انگیزی به دنیا آمده‌ایم و اگر به قدر کافی پرتلاش باشیم به انسان‌هایی توانمند و برجسته تبدیل خواهیم شد.

اکنون این پرسش در ذهن‌ها شکل می‌گیرد که به‌راستی هدف واقعی زندگی چیست؟ به نظر من پاسخ را باید از موتسارت شنید: «من با عشق به همه زندگی می‌کنم و فقط با این شیوه است که دنیا به زندگی کردنش می‌ارزد.»

